خبر

تعیین میزان اعتبار وام شهریه دانشگاه‌ها

ایسنا: رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اعلام کرد: سهم وزارتخانه‌های علوم، بهداشت و دانشگاه آزاد اسلامی از اعتبار وام شهریه دانشجویی مشخص شد. مهندس فولادی‌نژاد اظهار کرد: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور براساس آمار دانشجویان و میزان شهریه دوره‌های مختلف آموزشی دانشگاه‌ها، سهم وزارت علوم از وام شهریه را ۵۸۰ میلیارد ریال، وزارت بهداشت ۲۰ میلیارد ریال و دانشگاه آزاد را ۶۰۰ میلیارد ریال تعیین کرد. وی افزود: براساس جزء (ج) بند ۱۱ تبصره دو قانون بودجه سال ۸۵ کل کشور، مبلغ ۱۲۰ میلیارد تومان اعتبار به‌عنوان تسهیلات بانکی به‌صورت وجوه اداره شده برای پرداخت وام به دانشجویان شاغل به تحصیل در دوره‌های آموزشی شبانه، علمی کاربردی، پیام نور و سایر دوره‌های شهریه‌ای وزارت علوم، وزارت بهداشت و دانشگاه آزاد اسلامی اختصاص یافت که این اعتبار باید در اختیار این سازمان‌ها قرار بگیرد تا از طریق صندوق‌های رفاه دانشجویان این دستگاه‌ها به دانشجویان وام شهریه پرداخت شود و در اقساط بلندمدت پس از فراغت از تحصیل با پرداخت حداقل کارمزد بازپرداخت شود. وی با اشاره به رشد بیش از ۲۷۰ درصدی اعتباری تسهیلات بانکی سهم دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش‌عالی تحت پوشش وزارت علوم نسبت به سال ۸۴ تصریح کرد: متاسفانه این اعتبار به دلیل کثرت دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی دولتی، غیرانتفاعی، علمی‌کاربردی، پیام نور و فنی حرفه‌ای پاسخگوی تامین نیاز وام کلیه دانشجویان نیست.

ادامه سرمقاله

نخبگان فکری و اجرایی دیگری از ایالات متحده برخلاف تقابل گرایان به جای برخورد نظامی و تغییر نظام سیاسی ایران پیشنهاداتی برای تعدیل ایران در عرصه بین‌الملل ارائه می‌دهند. افرادی چون جودیت اس‌یاف، دیوید فیلیپس، جفری کمپ، ای‌اچ هامیلتون، جان مارسکا، گری سیک، اسکو کرافت، کالین پاول، آنتونی کردزمن و . . . . با طرد و نفی سیاست‌های افراطی تقابل‌گرایان آمریکایی بر سیاست‌های سازنده، ایجابی و مثبت بین ایران و ایالات متحده آمریکا اعتقاد دارند. تعامل‌گرایان ضمن تاکید بر علائق و منافع استراتژیک دوجانبه در عراق، افغانستان، ترکیه، آسیای مرکزی، امنیت منطقه‌ای به‌ویژه خلیج فارس و مسائلی همچون فرآیند صلح خاورمیانه، کنترل تسلیحات و تروریسم، سرمایه‌گذاری اقتصادی و انرژی بر ضرورت مذاکره با ایران و ایجاد رابطه با این کشور تاکید می‌ورزند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دوره‌های مختلف متاثر از شرایط بین‌المللی و غلبه تقابل‌گرایان یا تعامل‌گرایان در سیاست و حکومت ایالات متحده آمریکا، داده‌های سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران تفاوت می‌یابد. بلوکه کردن دارایی‌های ایران، واقعه طبس، حمایت آمریکا از عراق در جریان جنگ تحمیلی، تحریم فروش اسلحه و صدور تکنولوژی با کاربری‌های دوگانه، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، حمله به هواپیمای مسافربری ایران، تلاش برای انزوای ایران، سیاست مهار دوجانبه، طرح اتهاماتی نظیر تروریسم، نقض حقوق بشر و دستیابی به سلاح‌های کشتارجمعی از جمله عوامل و اقداماتی است که با تعقیب نگاه تقابل‌گرایی دنبال شده است.

در کنار اقدامات تقابل‌گرایانه، اقداماتی از جنس تعامل مشاهده می‌شود. سفر مک‌فارلین به ایران، رفع ممنوعیت واردات سه کالای ایرانی (فرش، پسته، خاویار)، موضع‌گیری مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه وقت آمریکا در انجمن آسیا در نیویورک (ژوئن ۱۹۸۸) مبنی بر کوتاه کردن دیوار بی‌اعتمادی بین دو کشور، توقف مخالفت آمریکا با درخواست ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی و به طور کلی تلاش تعامل‌گرایان برای جلوگیری از اجرای نظریات تقابل‌گرایانه را می‌توان مثال آورد.

حال سئوالی که مطرح می‌شود این است که جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا با کدام رویکرد قادر خواهند بود به بحران موجود در روابط دو کشور پایان دهند؟ اگرچه بعد از فروپاشی شوروی و بلوک شرق، به‌ویژه حادثه یازدهم سپتامبر و اقدامات آمریکا در افغانستان و عراق زمینه برای پذیرش دیدگاه‌های تقابل‌گرایان در آمریکا بیشتر شده است، اما نگاهی به مجموعه اقدامات آمریکا در عرصه سیاست خارجی و با توجه به شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل و موقعیت و جایگاه ایران به نظر می‌رسد رویکرد تقابل‌گرایی، رهیافتی غیرواقع‌بینانه، غیراستراتژیک و غیرعملی است.

مشکلات و تنگناهای سیاست خارجی آمریکا در عراق، افغانستان، فلسطین و به طور کلی در جهان اسلام و همچنین پتانسیل‌ها، توانمندی‌ها و نقش و جایگاه ایران در عرصه روابط بین‌الملل، به‌ویژه جهان اسلام چنین اجازه‌ای را به ایالات متحده آمریکا نخواهد داد که این کشور بتواند با رویکردی تقابل‌گرا نسبت به موضوع ایران برخورد نماید. با نفی و طرد چنین روشی، تنها گزینه موجود، استفاده از رهیافت تعامل‌گرایانه است. به نظر می‌رسد این نگرش واقع‌بینانه، اصولی و مبتنی بر مبانی استراتژیک است.

در جمهوری اسلامی ایران نیز اگرچه به جای سیاست خارجی طولی، بعضاً سیاست خارجی عرضی مبنای عمل قرار گرفته است، اما به طور کلی در قالب گفتمان اعتراضی سعی بر پیگیری، حفاظت و حراست از منافع ملی ایران بوده است که در قالب دو نگاه تقابل‌گرا و تعامل‌گرا تعقیب و دنبال شده است. صرف‌نظر از اینکه وزن و میزان اثرگذاری هرکدام از این دو جریان فکری در عرصه عمل سیاسی به چه میزان بوده است، باید به این نکته توجه داشت که در شرایط حساس کنونی، چه رویکردی با مصالح و منافع ملی ایران همخوانی بیشتری دارد؟

اگرچه در شرایط کنونی اصلاح‌طلبان به عنوان طرفداران سیاست تعامل‌گرایانه نقشی در عرصه عمل سیاسی ندارند، اما نکته حائز اهمیت آن است که در جریان فکری حاکم نیز رویکرد یکدستی از تقابل‌گرایی دیده نمی‌شود. برخی از تصمیم‌گیرندگان و مجریان خواهان پیگیری رویکرد تقابل‌گرا و برخی خواهان تعقیب مشی تعامل‌گرایانه‌اند. مهم این است که در این مقطع نباید منافع ملی را وجه‌المصالحه رقابت‌های سیاسی درون‌گروهی قرار داد. همان‌گونه که اصلاح‌طلبان خارج از حاکمیت با ترجیح مصالح و منافع ملی از نگرش‌های تعامل‌گرایانه پشتیبانی و استقبال می‌کنند، تقابل‌گرایان حاکم نیز باید با ترجیح مصالح و منافع ملی با حمایت و پشتیبانی از تعامل‌گرایان اصول‌گرا در جهت حفظ و حراست از منافع و مصالح ملی گام بردارند.

اصول‌گرایان تقابل‌گرا نباید فراموش کنند که حرکت‌های تقابل‌گرایانه آنها منجر به تقویت تقابل‌گرایان آمریکایی خواهد شد و این موضوعی است که به هیچ وجه با مصالح ملی ما سازگاری ندارد. بنابراین همگی باید بکوشیم به دور از احساسات و با نگاهی عقلانی و خردگرا، تعامل را جایگزین تقابل نماییم و سیاست خارجی ایران اسلامی را از این گردونه تاریخی بر اساس مصالح و منافع ملت بزرگ ایران به سلامت عبور دهیم.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی:

ISI برای پیشرفت علوم انسانی ما یک مانع است

سعید ارکان‌زاده یزدی

گروه اجتماعی: مهدی گلشنی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: «برای مقالات علمی به صرف چاپ شدن در مجلات ISI نمی‌توان امتیازی قائل شد. برخی جاها که وابسته به ISI هستند با گرفتن ۵۰۰ دلار یک مقاله را چاپ می‌کنند. افرادی حاضرند چند میلیون تومان پول بدهند برای اینکه اسمشان کنار فردی که مقاله‌اش در ISI چاپ می‌شود، به‌عنوان نویسنده بیاید.» پس از روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد و به وزارت رسیدن محمدمهدی زاهدی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بارها از مدیران این وزارتخانه شنیده شد که سیستم ISI برای علوم انسانی داخل کشور مناسب نیست.

برخی نیز از تشکیل یک موسسه مشابه ISI داخلی برای علوم انسانی ایران سخن می‌راندند.

موسسه ISI مخفف موسسه اطلاعات علمی Information Sciences Institute است که فهرستی از مجلات علمی مطابق با استانداردهای مقالات علمی جهان را ارائه می‌کند.

در ایران ارتقای بسیاری از استادان و دانشگاه‌ها با تعداد مقالات چاپ شده در مجله‌های ISI ارتباط مستقیم دارد و مدیران وزارت علوم معتقدند که دانشگاه‌های ایران زیادی به مقالات ISI وابسته‌اند. ISI از سال ۱۹۷۲ در دانشگاه کالیفرنیای جنوبی تاسیس شده است. مهدی گلشنی دبیر پژوهشگاه علوم انسانی در گفت‌وگویی که در حاشیه گردهمایی روسای پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌های وزارت علوم با شرق انجام داد، گفت: «وابستگی به مجلات ISI ما را به طرف کارهای مصنوعی رانده است. در صورتی که چیزی که علم را رونق می‌دهد این است که به دنبال نوآوری‌های نظری‌ای باشیم که به درد رفع نیازهای داخلی نیز بخورد.»

وزیر علوم و معاون فرهنگی وزیر از معقول شدن علوم انسانی در دوره وزارت جدید خبر داده‌اند. آنها معتقدند که علوم انسانی باید به سوی تولیدات داخلی گرایش پیدا کند و لزوماً علوم اجتماعی یا سیاسی یا اقتصادی منطبق با آموزه‌های غربی نباشد. مدیران وزارت علوم داخلی شدن تولیدات علوم انسانی را هم‌راستا با سیاست «وحدت حوزه و دانشگاه» و اسلامی‌تر شدن دانشگاه‌ها می‌دانند. گلشنی گفت: «علوم انسانی در کشور ما اغلب تقلیدی است و عین آنچه را که در غرب هست داریم تقلید می‌کنیم.

اصلاً به اینکه این علوم چه قدر با خصوصیات بومی و فرهنگی ما تطبیق دارند فکر نمی‌کنیم.» او آشنا نبودن اغلب استادان با زبان انگلیسی را یکی از دلایل مهجور ماندن مقالات ایرانی‌ها در سطح بین‌المللی دانست: «در برخی از قسمت‌های علوم انسانی کارهای خوبی انجام می‌شود اما چون اکثر استادانی که خیلی خوب کار می‌کنند زبان انگلیسی نمی‌دانند، مقالاتشان ترجمه نمی‌شود. اگر وزارت علوم در سال‌های گذشته همت کرده بود و مقالات خیلی خوبی را که توسط استادانی که واقعاً در حوزه خودشان مرجع هستند انجام شده، ترجمه و منتشر کرده بود، بقیه کشورها هم می‌فهمیدند که مثلاً در فلسفه یا سایر قسمت‌های علوم انسانی در ایران چه کارهایی دارد انجام می‌شود. ما هیچ انعکاسی در خارج از کشور نداریم و این‌طور تلقی می‌شود که کاری انجام نمی‌شود.»

دبیر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: «درباره علوم انسانی بی‌انصافی خاصی دارد اتفاق می‌افتد. بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی ایران هستند مثل زبان‌های باستانی ایران یا عروض شعر فارسی که مجله ISI درباره آن وجود ندارد.» او نیز معتقد است که باید یک فهرست مجلات همچون فهرست ISI برای داخل کشور ایجاد کرد: «ما در داخل کشور هم مجلات خیلی خوبی می‌توانیم به راه بیندازیم، سختگیری کنیم و خودمان مجله‌ای مثل ISI برای خودمان درست کنیم. می‌توان این قدر رقابت به وجود آورد که فقط مقالات درجه اول چاپ شود و رودربایستی در آن نباشد. ما اصلاً برای انجام هیچ کدام از این کارها کوششی نکرده‌ایم.» او گفت: «هزاران مجله خارجی هست که وقتی در حوزه‌های علوم انسانی بحث علوم انسانی بومی پیش می‌آید علاقه به چاپ مقاله ندارند. مسئله ISI در وضعیت فعلی به جای اینکه به پیشرفت علم ما کمک کند یک مانع است. مقالات بسیار ارزشمندی هستند که در ISI چاپ نمی‌شوند و مقالاتی در ISI هم هستند که ارزشی ندارند. بارها تاکید شده است که به کیفیت و محتوای مقالات توجه داشته باشیم. ما می‌توانیم مجلاتی در حد ISI راه بیندازیم اما بیشتر مسائل را به تعارف می‌گذرانیم. به نظرم تا وقتی که با خودمان تعارف داشته باشیم درجه‌بندی مجلات علمی هم مشکلی را حل نمی‌کند. اگر قرار باشد ISI داخلی هم راه بیفتد اما این تعارف‌ها وجود داشته باشند و باز به محتوا اهمیت ندهیم وضعیت علوم همین طور خواهد بود.»

بحران‌های خانوادگی و اقتصادی عامل گسترش پدیده کودکان خیابانی

جواد عربی

کودکان خیابانی بچه‌های طرد شده‌ای هستند که از شرایط دشوار و غیرقابل تحمل خانوادگی می‌گریزند. اما واقعیتی که طی چند سال اخیر گاهی در مورد آن بحث و گفت‌وگو می‌شود معضل کودکان کار است که برای خرج تحصیل، بیماری خانواده و یا توسط والدین برای تامین مخارج اعتیاد به اجبار مشغول به کار می‌شوند. این موضوع در گفت‌وگو با دکتر انور صمدی‌راد استاد مددکاری و سیاست‌های رفاهی و اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی مورد بررسی قرار گرفته است.

■ چه عواملی باعث افزایش پدیده کودکان خیابانی است؟

کودکان خیابانی بچه‌هایی هستند که از یک زندگی نکبت‌بار به کوچه و خیابان پناه برده‌اند و در جامعه القاب و عناوین مختلفی از بزهکار و ولگرد تا کارتن‌خواب و متکدی جوان به آنها داده می‌شود که نشان از وجود دیدگاه‌های متفاوت در مورد آنها است. در بسیاری از کشورهای دنیا این کودکان معمولاً از مناطق حاشیه‌ای دورافتاده جذب شهرهای بزرگ می‌شوند که برای بقای خود درگیر نبردی بی‌امان می‌شوند و از آنجایی که این کودکان معمولاً شب‌ها را در پناهگاه‌های نوبتی می‌گذرانند مستعد همه‌گونه سوءاستفاده و انحراف نظیر مصرف سیگار و مواد مخدر بد و ارزان هستند و از طرفی به دلیل عدم پوشش کافی در سرما و تنفس هوای آلوده در معرض انواع بیماری‌های مزمن و برونشیت و نظایر آن هستند.

■ چه عوامل موثری بر گسترش پدیده کودکان خیابانی نقش دارند؟

به دلیل وجود مشکلات اقتصادی و نابسامانی خانوادگی اغلب این کودکان با خانواده‌های خود (اگر داشته باشند) قطع ارتباط دارند و تحقیقات در این زمینه نشان داده که بسیاری از اینها در مدتی که با خانواده در شهرستان زندگی می‌کردند یا امکان مدرسه رفتن نداشته‌اند و یا اینکه همیشه با شکست تحصیلی یا عدم توانایی تحصیل روبه‌رو بوده‌اند. مسائلی چون آوارگی، مهاجرت و . . . در گسترش پدیده کودکان خیابانی موثر است. در سفر تحقیقاتی‌ای که به شیراز داشتم متوجه شدم که درصد بسیاری از کودکان خیابانی مادر ایرانی و پدر افغانی مجهول‌الهویه داشته‌اند و در خیابان‌ها رها شده بودند.

■ عامل گرایش به بزهکاری و انحراف کودکان چیست؟

سرخوردگی و از دست دادن اعتماد به نفس که اغلب این کودکان برای جبران حس شکست‌خوردگی و فرار از فشارهای روانی و کسب وجهه‌ای از تشخص و تمایز به گروه‌های بزهکار وارد می‌شوند که البته یک عامل موثر دیگر در این زمینه نیز عقب‌ماندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

■ آماری که بتوان کودکان خیابانی را تخمین زد وجود دارد؟

اگر کودکان خیابانی را به عنوان افراد فاقد خانواده و هیچ‌گونه حمایت سازمان یافته در نظر بگیریم تعداد آنها به چندصد نفر محدود می‌شود، ولی اگر این کودکان را به عنوان افراد دارای شرایط معیشتی بسیار ناهنجار به واسطه داشتن رابطه نامشخص با خانواده و موسسات خدماتی و زندگی در خیابان‌ها و کسب درآمد حاصل از کار در خیابان‌ها در نظر بگیریم بنا به برخی گزارش‌ها حدود ۱۴۵ میلیون کودک خیابانی در جهان تخمین زده می‌شوند و به احتمال زیاد در کشور ما نیز رقمی بین ۸۰۰- ۶۰۰ هزار نفر از این کودکان در خیابان‌ها به چیزی شبیه زندگی ادامه می‌دهند که در این زمینه می‌توان به برخی گزارشات و تحقیقات صورت گرفته اشاره کرد که براساس آن بدون لحاظ کردن اتباع خارجی (مهاجرین افغانی)، حدود ۲۰۰ هزار کودک خیابانی در تهران وجود دارد که ۶۰ درصد آنها مهاجرین سایر استان‌ها هستند که از نظر سنی اکثر آنها در طیف سنی ۵ تا ۱۸ سال هستند و به لحاظ جنسی عموماً پسر هستند (۹۵درصد) و البته مهاجر و بیسواد که به خانواده‌های فقیر و پرجمعیت از خانواده‌های بیش از ۸ نفر تعلق دارند.

■ نقش سازمان‌ها و نهادهای مسئول چیست؟

طبق قانون سازمان بهزیستی و معاونت‌های مربوطه متولی امور کودکان خیابانی هستند و همچنین نهادهایی چون استانداری و فرمانداری نیز ملزم به کمک در رفع این پدیده هستند، البته برای بهبود وضعیت مقابله با این معضل باید دامنه همکاری بین کلیه نهادها و دستگاه‌ها با سازمان بهزیستی گسترده‌تر شود و بودجه‌ای خاص برای این منظور در نظر گرفته شود.

■ در خصوص تشکل‌های مردمی اقداماتی صورت گرفته است؟

NGOهایی که مردمی باشند و در این زمینه بخواهند فعالیت کنند خیلی کم هستند و نیاز به وجود آنها زیاد است.

البته ما NGOای در منطقه محروم حاشیه‌نشین ایرانی و افغانی آق‌تپه مهرشهر کرج برای کمک به بچه‌ها به نام (خانه مهر کودک) تشکیل دادیم برای کمک به بچه‌هایی که به هر حال در جامعه ما زندگی می‌کنند و به دلیل فقر یا عدم امکانات مادی به مدرسه نمی‌روند که آنها را تحت پوشش قرار دادیم.

■ بودجه خانه مهر از کجا تامین می‌شود و چه فعالیت‌هایی آنجا صورت می‌گیرد؟

بودجه آن شخصی است و با همکاری دانشجویانم و یا دانشجویانی که داوطلبانه کارورزی و مددکاری خود را آنجا می‌گیرند تامین می‌شود. البته تعدادی از خانم‌ها و آقایان داوطلبانه ساعاتی را برای کلاس‌های آموزشی، بهداشتی، تغذیه و مهارت‌های زندگی و خواندن و نوشتن برای مادران کودکان به صورت رایگان انجام می‌دهند و صحبت‌هایی با سفارت افغانستان برای بچه‌هایی که از طریق کتاب‌های نهضت سوادآموزی آموزش دیده و مدرک ما را کسب می‌کنند انجام شده که سفارت آن را تایید کند تا در کشورشان مورد قبول باشد و بتوانند ادامه تحصیل بدهند.

■ چه راهکارهایی را برای پیشگیری از بروز پدیده کودکان خیابانی پیشنهاد می‌کنید؟

به نظر من به دلیل فقدان توان اجرایی دستگاه‌ها در شرایط فعلی و وجود ناهنجاری‌های اجتماعی و موروثی خانوادگی در میان این بچه‌ها نمی‌توان جای خاصی برای آنان در نظر گرفت و باید به فکر پیشگیری از بروز پدیده کودکان خیابانی بود و در این زمینه نیز باید سیاست‌های منطقی و قابل اجرای جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها و ایجاد اشتغال در اقصی نقاط کشور برای جذب این افراد و کاستن از جاذبه‌های کاذب شهرها را دنبال کرد و به عمل درآورد.

سارقان در پوشش مامور سرقت می‌کردند

اجرای طرح ویژه پلیس آگاهی استان تهران در کشف جرائم آغاز شد

شرق: اعضای یک باند که به‌عنوان ماموران مبارزه با مفاسد اجتماعی وارد منازل در تهران و کرج می‌شدند و پس از سرقت اموال فرار می‌کردند با تلاش ماموران آگاهی کرج دستگیر شدند. سرهنگ اسماعیل هادئی معاون آگاهی فرماندهی انتظامی استان تهران در تشریح این خبر به شرق گفت: ماجرای دستگیری این باند سرقت زمانی فاش شد که چندی پیش مرد طلاسازی به دادسرای ناحیه یک تهران رفت و پلیس را در جریان وقوع یک فقره سرقت از منزلش قرار داد. وی در خصوص نحوه سرقت گفت: آن روز افرادی در پوشش ماموران مبارزه با مفاسد اجتماعی با مراجعه به منزلم در شهر ری با در دست داشتن کارت و مجوز قضایی به بهانه بازرسی وارد شدند. یکی از ماموران به قصد بررسی پشت بام و داشتن دیش ماهواره مرا به پشت بام منزل کشاند. این در حالی بود که دو مامور دیگر در حال بررسی وضعیت داخلی منزل بودند و بدین ترتیب ماموران با اعلام ارتکاب جرم و جمع‌آوری ماهواره منزلم را ترک کردند. اما پس از خروج ماموران متوجه شدم که مقدار ۶۵۰ گرم طلا از کمدم سرقت کرده‌اند. بدین ترتیب بعد از اعلام این شکایت پلیس تحقیقات خود را در این خصوص آغاز کرده و در حالی که تلاش ماموران مبارزه با سرقت مسلحانه درخصوص این پرونده ادامه داشت سرقت مشابهی در منزلی در کرج رخ داد و در جریان چهره‌نگاری متهمان مشخص شد هر دو سرقت توسط اعضای یک باند انجام شده است. کارآگاهان دایره یکم آگاهی کرج به سرپرستی سرهنگ عیوضی (رئیس دایره یکم مبارزه با جرائم جنایی و سرقت مسلحانه آگاهی کرج) تحقیقات خود را آغاز کردند و ردپای متهم اصلی پرونده به نام مرتضی (۴۲ ساله) در منطقه خرمدشت کرج شناسایی شد. سرهنگ هادئی در ادامه گفت: بدین ترتیب ۱۶ خردادماه عوامل پلیس آگاهی کرج پس از دریافت دستور قضایی وارد منزل متهم شدند و وی را دستگیر کردند. در بازرسی از منزل وی یک قبضه کلت کمری به همراه ده تیر فشنگ جنگی، ۵ لباس کامل نیروی انتظامی به همراه پوتین، مدارک جعلی سازمان حج و زیارت و اداره مخابرات و دو کیلو باروت کشف شد. وی بعد از دستگیری اعتراف کرد که با همدستی دو نفر دیگر به نام‌های حیدر و قاسم پس از تهیه لباس انتظامی، دستبند و مدارک جعلی به منازل افراد به عنوان بازرس وارد می‌شدند و در فرصتی مناسب با سرگرم کردن صاحب‌خانه طلاها و اشیای قیمتی صاحب‌خانه را به سرقت می‌بردند. بعد از این اعتراف، همدستان وی نیز دستگیر شدند و متهمان به زندان انتقال یافتند.

سرهنگ هادئی معاون آگاهی فرماندهی انتظامی استان تهران با اعلام آغاز اجرای طرح ویژه پلیس آگاهی استان تهران جهت کشف جرائم مهم که اثرگذاری بیشتری در سطح جامعه دارد، گفت: در سال جاری کشف پرونده‌های قتل، آدم‌ربایی، سرقت و تجاوز به عنف درصدر برنامه‌های پلیس آگاهی قرار گرفت و تمرکز نیروها در جهت تسریع کشف این جرائم خشن است. وی با اعلام اینکه در دو ماهه اول امسال در مجموع وقوع جرائم جنایی ۱۱ درصد کاهش داشته است افزود: پلیس با کشف بیش از دو هزار فقره سرقت و دستگیری ۱۸۰۰ متهم توانسته است در دو ماهه سال جاری میزان کشف سرقت‌ها را ۲۶ درصد افزایش دهد. یکی از ویژگی‌های اصلی این طرح کنترل محسوس و غیرمحسوس افراد سابقه‌دار که از زندان آزاد و یا در مرخصی به سر می‌برند است. پلیس با در نظر گرفتن پاتوق‌های این افراد، وضعیت متهمان را تحت کنترل قرار داده به طوری که در راستای حفظ امنیت عمومی تلاش می‌شود امسال سال آرامی برای مجرمان سابقه‌دار نباشد. معاون آگاهی فرماندهی انتظامی استان تهران در پایان گفت: در حال حاضر میزان وقوع قتل در استان تهران ۲۴ درصد کاهش یافته است و در این حال وضعیت کشف جنایت‌ها با ۱۴ درصد افزایش روبه‌رو بوده است و ماموران پلیس نیز در راستای اجرای این طرح در استان تلاش می‌کنند میزان کشف جرائم خشن را تسریع بخشند.

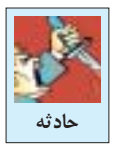

حادثه

بازسازی صحنه قتل سرنوشت قاتل را مشخص می‌کند

گروه اجتماعی: مردی که متهم است، همسرش را حلق‌آویز کرده پس از بازسازی صحنه قتل، سرنوشتش مشخص می‌شود. این مرد ۳۰ ساله به نام حمید چند روز پیش در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری به پای میز محاکمه رفت و مدعی شد که همسرش خودکشی کرده است. قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری به شور نشستند و به اتفاق اکثریت آرا به این نتیجه رسیدند که به همراه متهم به قتل به محل حادثه بروند و بعد از بازسازی صحنه قتل حکم نهایی وی را صادر کنند. ماجرا اینگونه بود که بهمن‌ماه پارسال مسئولان بیمارستانی در فیروزکوه با ماموران تماس گرفتند و اعلام کردند که زن جوانی به طرز مشکوکی فوت کرده است. کارآگاهان بعد از این تماس در بیمارستان حاضر شدند. در تحقیقات مشخص شد که متوفی زن ۲۵ ساله‌ای به نام سولماز است که در اثر خفگی جانش را از دست داده است. شوهر این زن که پیکر بی‌جان همسرش را به بیمارستان انتقال داده بود همانجا به ماموران گفت: وقتی از محل کارم به خانه آمدم، دیدم که جسد زنم آویزان شده است و خودکشی کرده. علتش را هم نمی‌دانم. به دستور بازپرس این مرد به عنوان مظنون دستگیر شد. وی در جلسه محاکمه هم منکر قتل زنش شد و گفت: او خودکشی کرده است. به هر حال بازسازی صحنه قتل سرنوشت نهایی این متهم را تعیین می‌کند.

مرد همسرکش به پرداخت دیه محکوم شد

شرق: قضات شعبه ۷۹ دادگاه کیفری مردی را که در اثر اختلافاتی همسرش را هل داده و باعث مرگ وی شده بود، به پرداخت دیه محکوم کردند. این مرد که قاسم نام دارد در اسفندماه سال ۸۲ به اتهام قتل همسرش بازداشت شد. وی چندی پیش در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری به پای میز محاکمه رفت و قضات وی را به اعدام محکوم کردند. حکم صادره به دیوان عالی کشور فرستاده شد اما قضات دیوان این حکم را نقض کردند. قضات دیوان پس از مطالعه به این نتیجه رسیدند که مرد متهم عملاً همسرش را نکشته است و مستحق اعدام نیست. قاسم چند روز پیش در شعبه ۷۹ دادگاه کیفری مجدداً محاکمه شد و به قضات گفت: قبل از اینکه با لیلا (مقتول) ازدواج کنم، با دختری رابطه داشتم. اما بعد از ازدواج رابطه‌ام را با دختر قطع کردم. اما لیلا همیشه به من شک داشت و می‌گفت تو به من خیانت می‌کنی. روز حادثه از سرکار به خانه آمدم باز هم بر سر این موضوع با هم درگیر شدیم. چند ساعت بعد به لیلا گفتم شام را آماده کن. اما او با عصبانیت گفت که شام درست نکرده، عصبانی شدم. هلش دادم که سرش به دیوار خورد و بیهوش شد. نگران شدم و او را فوراً به بیمارستان رساندم اما او در اثر ضربه مغزی فوت کرد و بازپرس مرا به اتهام قتل عمد بازداشت کرد. بعد از پایان محاکمه این مرد متهم از مجازات اعدام نجات یافت و به اتهام قتل غیر عمد به پرداخت دیه محکوم شد.

مرگ پنجمین دختر دانش‌آموز در اثر مصرف قرص برنج

شرق: مرگ پنجمین دختر دانش‌آموز تهرانی در اثر مصرف قرص برنج پلیس جنایی تهران را در برابر معمایی پیچیده قرار داده است. پزشکان سازمان پزشکی قانونی پس از معاینه جسد این دختر علت اصلی مرگ او را مصرف قرص برنج اعلام کردند. این دختر دانش‌آموز بلافاصله پس از مصرف قرص برنج از حال رفت و خانواده‌اش او را به بیمارستان منتقل کردند. پزشکان بیمارستان وقتی فهمیدند دختر دچار مسمومیت شده او را به بیمارستان لقمان منتقل کردند اما تلاش پزشکان برای مداوای او موثر واقع نشد و دختر نوجوان روی تخت بیمارستان جان باخت. بعد از مرگ این دختر دانش‌آموز پرونده‌ای در این زمینه تشکیل و به دایره دهم پلیس آگاهی تهران فرستاده شد. پیش از این نیز در اسفندماه گذشته سه دختر دانش‌آموز در منطقه نازی‌آباد در اثر خوردن قرص برنج جان باخته بودند. در حالی که تحقیقات در این زمینه آغاز شده بود در اردیبهشت‌ماه امسال دختر دانش‌آموز دیگری در هنرستانی در خیابان مفتح دچار تشنج شد و جان سپرد که پزشکان علت مرگ او را مسمومیت در اثر مصرف قرص برنج اعلام کردند. هم‌اکنون تحقیقات جنایی درخصوص مرگ این ۵ دختر دانش‌آموز ادامه دارد.

مردمک

۲۲۰۵۳۳۷۲

سپاس شرق از اورژانس

روز گذشته یکی از همکاران روزنامه در تحریریه دچار عارضه قلبی شد. بعد از تماس با اورژانس تهران، تکنیسین‌های فوریت‌های پزشکی در مدت زمان کوتاهی با وجود ترافیک شدید خود را به روزنامه رساندند. روزنامه شرق تنها کاری که می‌تواند انجام دهد تشکر و سپاس از اورژانس تهران به خصوص آقای محمد مروستی، آقای دکتر سیدمحمدباقر متولیان و آقای اقبال زردمهی است و برای ایشان در هر جا که هستند آرزوی موفقیت و پیروزی دارد.

مشکل ایاب و ذهاب دانشجویان پودمانی

در ستون مردمک روز چهارشنبه ۱۷ خرداد در مورد مشکلات دانشجویان اولین گروه ثبت‌نامی پودمانی دانشگاه جامع علمی ـ کاربردی نوشته بودید. می‌خواستم بگویم این مشکلات فقط مربوط به این گروه از دانشجویان نیست. من از دانشجویان دختر دوره پودمانی رشته زبان انگلیسی ورودی سال ۸۴، واحد ۴۰ تهران هستم و در شهر کرج ساکن هستم. در دفترچه نوشته شده بود که وسیله ایاب و ذهاب موجود است اما موقع ثبت‌نام به من گفتند که اشتباهی چاپ شده و ما وسیله نداریم. خواستم از ثبت‌نام خودداری کنم که به من گفتند ثبت‌نام کنید و بعد از اینکه یک ترم گذراندید ما به شما انتقالی می‌دهیم. الان سه ترم گذشته است اما هنوز وعده‌های مسئولان عملی نشده است. من مجبور هستم روزی ۲/۵ ساعت رفت و ۲/۵ ساعت برگشت از دانشگاه در مجموع ۵ ساعت در روز را به خاطر دو ساعت کلاس در رفت و آمد باشم. بعضی از کلاس‌های ما تا ۸ شب طول می‌کشد و من تا برسم خانه ۱۰/۳۰ می‌شود. وقتی که با مدیر دانشگاه صحبت کردم ایشان به من گفتند که بروید خدا را شکر کنید چون که من با شرایط بدتر از شما درس خوانده‌ام. از طرفی تمامی برنامه‌ریزی ساعت شروع کلاس‌ها و حتی روزهای آن در موقع ثبت‌نام به عهده دانشجویان است. یک روز که من غیبت کردم متوجه شدم که تمامی ساعت‌ها و روزهایی که موقع ثبت‌نام انتخاب کرده بودم تغییر کرده است که همه اینها از عدم برنامه‌ریزی مسئولان و کمبود امکانات این دانشگاه ناشی می‌شود.

یکسان‌سازی حقوق بازنشسته‌ها

یک بازنشسته لیسانسه هستم. چند سالی است که بحث لایحه هماهنگ پرداخت حقوق بگیران در مجلس مطرح است. رئیس مجلس قول داده بودند که از اول سال ۸۵ هماهنگی پرداخت حقوق انجام می‌شود ولی در نهایت مشاهده کردیم که این لایحه در مجلس به بایگانی سپرده شد. از طرف دیگر دولت آمده حقوق بازنشسته‌های دارای مدرک سوم ابتدایی را با لیسانسه‌ها برابر کرده است. این کار باعث اجحاف در حق بازنشسته‌های لیسانسه شده است. از دولت تقاضا می‌کنم در یکسان‌سازی حقوق بازنشسته‌ها تجدیدنظر کند.

تاخیر ۱۳ ساعته در پرواز

فرزند من در ساعت شش صبح روز ۱۲ خردادماه باید با پرواز بین‌المللی ایران‌ایر به مقصد بمبئی حرکت می‌کرد. در ساعت ۱۱ صبح همان روز با تماس مجدد ایشان متوجه شدیم که هنوز پرواز نکرده‌اند و در فرودگاه مهرآباد هستند. در ساعت یک ظهر با تماس مجدد ایشان متوجه شدیم که بدون هیچ دلیل قانع کننده‌ای آنها را به سالن ترانزیت برده‌اند و در نمازخانه ساکن کرده‌اند و هیچ‌گونه عذرخواهی‌ای بر این تاخیر از طرف مسئولین فرودگاه انجام نشده است. حدود ساعت چهار بعدازظهر باز ایشان تماس گرفتند که در حال رفتن به سمت هواپیما هستیم. اما در داخل هواپیما نیز حدود سه ساعت آنها را نشاندند و در نهایت ساعت هفت بعدازظهر با ۱۳ ساعت تاخیر پرواز انجام شد. در این مدت تاخیر نیز بارها با اطلاعات پرواز فرودگاه تماس گرفتیم اما آنها یا از این تاخیر اطلاع نداشتند و یا دلیل آن را نمی‌دانستند. می‌خواستم بپرسم که چرا مسافران یک پرواز بین‌المللی نباید دلیل بیش از ۱۳ ساعت تاخیر پروازشان را بدانند.

جوابیه

احراز رتبه A از طرف دانشگاه جامع

**مرکز آموزش عل